

فصلنامه تخصصی سبک‌شناسی نظم و نثر فارسی (بهار ادب)
علمی - پژوهشی
سال چهارم - شماره چهارم - زمستان ۱۳۹۰ - شماره پیاپی ۱۴

اسناد مجازی و ساختارهای مختلف آن در مثنوی مولوی

(ص ۲۶۴ - ۲۵۳)

میترا گلچین^۱

تاریخ دریافت مقاله: ۹۰/۵/۸

تاریخ پذیرش قطعی: ۹۰/۸/۲۵

چکیده:

استفاده از تشخیص از شاخصهای برجسته زبان هنری عرفان است و از جهان‌بینی و نگرش عرفای هنرمندی چون مولانا نشأت میگیرد. مولانا معتقد است که تمام مخلوقات و پدیده‌های هستی، از نوعی حیات و آگاهی و هوشمندی برخوردارند که نیروی محرکه و هدایت‌کننده آنها بسوی کمال است. بازتاب این طرز تلقی همه جا بوضوح در آثارش بخصوص مثنوی و غزلیات به عنوان یکی از ویژگیهای مهم زبان و سبک بیان او قابل تشخیص و درخور مطالعه است.

مقاله حاضر به بررسی تشخیص و انواع ساختارهای آن در مثنوی مولانا پرداخته است تا اهمیت آن را به عنوان یکی از امتیازات بلاغی و سبکی زبان او باز نماید و با مقایسه ساختارهای متنوع تشخیص، میزان استفاده از هریک را نشان دهد. همچنین با مقایسه تعداد کل اسناد مجازی و تعداد کل پنج شاخص دیگر سبک این شاعر، یعنی تشبیه، تمثیل، اغراق، پارادوکس و حس آمیزی، برجستگی این ساختار که در مقام دوم قرار گرفته است، بیشتر آشکار می‌گردد.

کلمات کلیدی:

تشخیص، ساختار، سبک، مولانا، مثنوی.

مقدمه:

میدانیم که اگر کلمه‌ای را در غیر معنی حقیقی آن بکار بریم، یعنی در معنائی که برای آن وضع نشده است، این نوع کاربرد در واقع خروج از مرز حقیقت و وارد شدن به قلمرو مجاز است و مجاز خود به همین معنی است. اما علمای بلاغت، مجاز را به دو نوع تقسیم کرده‌اند: مجاز لغوی یا مفرد و مجاز عقلی یا مجاز در جمله. مجاز لغوی خود به دو نوع قابل تقسیم است: استعاره، در حقیقت نوعی از مجاز است که در آن علاقه میان معنی حقیقی و مجازی از نوع علاقه مشابهت باشد و نوع دیگر مجاز مرسل که در آن میتواند علاقه‌های متعددی میان معنی حقیقی و مجازی بجز مشابهت وجود داشته باشد، اما آنچه در اینجا محور بحث ما است، نوع دوم مجاز یعنی مجاز عقلی یا اسناد مجازی است که محل وقوع یا استعمال آن در جمله است. از آن جهت به آن مجاز عقلی گفته میشود که متکلم، فعل یا صفتی را به یاری نیروی عقل و استفاده از قوه تخیل خویش، به مسندعلیه نسبت می‌دهد، فعلی که در عالم واقعیت نمیتواند از آن فاعل صادر شود و صفتی که نمیتواند در حقیقت متعلق به آن موصوف باشد.

اسناد مجازی از نظر علمای بلاغت و عرفا

یکی از وسیعترین و زیباترین حوزه‌های صور خیال، مبحث اسناد مجازی است. آنچه ما امروز تحت عنوان تشخیص (personification) می‌شناسیم، در بلاغت قدیم به نوعی تحت عنوان استعاره مکنیه و تخیلیه به اجمال مورد بحث و بررسی قرار گرفته است. (شفیعی کدکنی، صور خیال در شعر فارسی: ۱۵۳) صاحب‌انوار/الرابع در اینباره میگوید: «استعاره بالکنایه تشبیهی است مضمّر، بدین معنی که شخص در نفس خویش چیزی را به چیزی مانند میکند اما صراحتاً به هیچیک از ارکان تشبیه به جز مشبه اشاره نمی‌نماید، تنها بعضی از خواص و مختصات مشبه‌به برای مشبه ذکر میگردد که نشانه آن تشبیه مضمّر است و اثبات و اسناد مختصات و لوازم مشبه‌به برای مشبه، استعاره تخیلیه نامیده می‌شود؛ چرا که از رهگذر تخیل، آن لوازم و خواص برای مشبه، به عاریت گرفته شده و این کار موجب کمال و پایداری مشبه‌به در تشبیه است، زیرا به یاری خیال، مشبه از جنس مشبه‌به و برابر با آن دانسته میشود. یکی از مثالهایی که ذکر شده است این است:

فَلَيْنَ نَطَقَتْ بِشُكْرِ بَرِّكَ مُفْصِحاً فَلَسانُ حَالِي بِشِكايةٍ أَنْطَقَ

معنی: اگر زبانم به سپاس نیکی تو با فصاحت و شیوایی سخن میگوید اما زبان حالم به شکایت گویاترست.

تشبیه حال به انسان متکلم (که ذکر نشده است) استعاره بالکنایه است و اثبات زبان برای حال که باعث پایداری دلالت بر انسان متکلم است، استعاره تخیلیه میباشد. در *معالم البلاغه* نیز پس از بحث از استعاره بالکنایه و تخیلیه و ذکر مثال، به این نکته اشاره شده که این دو نوع استعاره همواره ملازم و مقارن یکدیگرند. در حقیقت میتوان گفت که استعاره تخیلیه، شکل تفصیلی و گسترش یافته استعاره بالکنایه یا مکنیه است. (معصومی مدنی، *انوار الربیع فی انواع البدیع*: ۲۵۲، ۲۵۳؛ رجایی، *معالم البلاغه*، در *علم معانی و بیان و بدیع*: ۳۰۷-۳۰۹) منظور از تشخیص، نسبت دادن افعال یا اوصاف انسانی به اشیای بیجان، عناصر بیروح طبیعت یا مفاهیم کلی و انتزاعی است. (Abrams, J.A.Cuddon, , *The dictionary of literary Terms*, Beritania, 1979, personification) القاهر جرجانی در *اسرار البلاغه* درباره نقش و کارکرد استعاره مکنیه و تخیلیه یا تشخیص، زیبایی سخن گفته است، میگوید: «به یاری همین استعاره جمادات را زنده و زبانداری و بی‌زبان را فصیح و سخنور و چیزهای صامت و گنگ را خطیب و سخنگو و بزم‌آرا می‌یابی و در این عرصه پرشکوه است که معانی کوتاه و نارسا روشن‌گر و پرتجلی شده‌اند.» سپس توضیح میدهد که بکارگیری چنین استعاره‌ای است که تشبیهات را از تأثیربخشی بیشتر و مرتبه تحسین و اعجاب برخوردار میسازد، به مفاهیم لطیف، حیات و تجسم و به اوصاف جسمانی و بیجان، روحانیت و لطف میبخشد. در *المعجم* این نوع استعاره بیشتر ویژه شعر دانسته شده، در آنجا آمده است: «و از سایر انواع مجازات، آنچه به اوصاف شعرا مخصوصتر است و جز در کلام منظوم تداولی بیشتر ندارد، مکالمه جمادات، حیوانات غیرناطق است چون مناظرات تیغ و قلم، شمع و چراغ، و گل و بلبل و مخاطبات اطلال و دمن و ریاح و کواکب و غیر آن. این تعریف ناظر به کارکردهای تشخیص است که از قلمرو گسترده‌ای برخوردار است.» (عبد القاهر جرجانی، *اسرار البلاغه*: ۲۴ و ۲۵؛ قیس رازی، *المعجم فی معاییر اشعار العجم*: ۳۶۱)

اما بکارگیری تشخیص و انواع آن از خصایص و برجستگیهای زبان هنری عرفان و عارفان هنرمندی چون مولانا است، ذهنیت و جهان‌بینی او متأثر از این کلام الهی که: «و ان من شیء الا یسبح بحمده» (قرآن کریم: سوره اسراء، آیه ۴۴) تمامی ذرات کاینات و اجزای هستی را برخوردار از نوعی شعور و معرفت نسبت به هستی مطلق میدانند و از این رهگذر آنها را برخوردار از حیات، تکلم و تحرک و پویایی تلقی میکند، البته او برای داشتن چنین طرز تلقی، شرطی قائل است و آن بهره‌مندی انسان از مرتبه‌ای از معرفت نسبت به جهان

غیب و ادراک وحدت حق با او است و این قابلیت است که مولانا از آن به محرمیت تعبیر کرده است، او از زبان جمادات میفرماید:

ما سَمیعیم و بصیریم و هشیم با شما نامحرمان ما خامشیم
چون شما سوی جمادی میروید محرم جان جمادان چون شوید
از جمادی عالم جانها روید غلغل اجزای عالم بشنوید
فاش تسبیح جمادات آیدت وسوسه تاویلها نریایدت
(مثنوی، به تصحیح نیکلسون، ج دوم، دفتر سوم، ابیات ۱۰۲۴ - ۱۰۲۷)

ساختارهای مختلف اسناد مجازی در مثنوی

اسناد مجازی در سه بخش قابل بررسی است: جان بخشی (از نوع فعلی و وصفی)، تشخیص (از نوع فعلی، وصفی، ندایی و استعاره مکنیه) و سرانجام، استعاره مفرد یا مصرحه. (لازم به ذکر است برای خودداری از اطاله کلام و رعایت اختصار، شواهد و نمونه‌ها از دو دفتر اول و دوم برگزیده شده است.)

اسناد مجازی اعم از تشخیص است. مواردی از ابیات که در آنها افعال یا اوصاف جانداران دیگر جز انسان به اشیا و پدیده‌های بیجان یا مفاهیم تجریدی و انتزاعی اسناد گردیده، تحت عنوان جانبخشی ذکر شده‌اند، تا از مقوله تشخیص تمییز داده شوند.

- جانبخشی فعلی:

۱۱۴/۱ - چون قلم اندر نوشتن میشتافت چون به عشق آمد قلم بر خود شکافت
شتافتن در انجام کار (از افعال جانداران) جانبخشی، اسناد مجازی از نوع فعلی
۱/۷۰ - نیست وش باشد خیال اندر روان تو جهانی بر خیالی بین روان
به حرکت در آوردن همراه با اعمال قدرت، به قرینه بیت ۷۱:
بر خیالی صلحشان و جنگشان وز خیالی فخرشان و ننگشان
(از افعال و تواناییهای عملی انسان)، تشخیص فعلی

- جانبخشی وصفی:

۱۷۹۴/۱ - عاشقی زین هردو حالت برتر است بی بهار و بی خزان سبزی و تر است
سبزی و تری: تازه و با طراوت بودن، (از اوصاف گیاهان) جانبخشی وصفی
۱/۲۶ - طور مست و خرّ موسی صاعقا عشق جان طور آمد عاشقا
اسناد مستی به طور، جانبخشی از نوع وصفی

- تشخیص فعلی

۲/۱۲۴۸ - مصطفی فرمود از گفت جحیم کو به مومن لابه‌گر گردد ز بیم
لابه کردن، تضرع نمودن، (از افعال انسان، فاعل: جحیم) تشخیص فعلی
۲/۱۲۴۹ - گویدش بگذر ز من ای شاه زود هین که نورت سوز نارم را ربود
گفتن جهت درخواست و تقاضا، (از افعال انسان، فاعل: جحیم) تشخیص فعلی، (زمانی:
اشاره است به حدیث: «یا مومن فأن نورک أطفأ ناری»)
۲/۲۹۵۴ - هر چه دزدیده است این خاک دژم از خزانه حق و دریای کرم
دزدیدن، (از افعال انسان، فاعل خاک) تشخیص فعلی
۲/۹۱۹ - چون عصا از دست موسی آب خورد ملکوت فرعون را یک لقمه کرد
آب خوردن عصا از دست موسی، استعاره است از: قرار گرفتن عصا در دستی که قابلیت
انجام معجزه را داشت و قدرت آن دست، به قدرت بی انتهای حق متصل بود از این رو موثر
واقع شد.

یک لقمه کردن ملکوت فرعون توسط عصا، استعاره است از: باطل کردن سحر ساحران
که موجب تزلزل اقتدار فرعون گردید. (تلمیح دارد به آیه ۴۵ سوره شعرا، «فَالْقَىٰ مُوسَىٰ
عَصَاهُ فَإِذَا هِيَ تَلْقَفُ مَا يَأْفِكُونَ»)

- تشخیص وصفی

۱/۶۹۲ - پیش این الماس بی اسپر میا کز بریدن تیغ را نبود حیا
حیا (از اوصاف انسان) تشخیص وصفی
۱/۸۶۷ - کوه طور از نور موسی شد به رقص صوفی کامل شد و رست او ز نقص
مصراع دوم: صوفی شدن و از نقص و کاستی‌رهایی یافتن (از احوال انسان) تشخیص وصفی.
۲/۳۲۷۶ - وین زمین مضطرب محتاج کوه گر نبودی نافریدی پرشکوه
مضطرب، (از اوصاف کلیه جانداران، موصوف زمین) جانبخشی، اسناد مجازی وصفی،
(تلمیح به آیه ۱۵ سوره نحل: «وَالْقَىٰ فِي الْأَرْضِ رَوَاسِي أَنْ تَمِيدَ بِكُمْ»)
تشخیص ندایی نوعی شخصیت‌بخشی از راه منادا و مخاطب قرار دادن اشیا و پدیده‌های
بی‌جان یا مفاهیم کلی و انتزاعی است.

- تشخیص ندایی:

۲/۲۳۱۲ - خنجر تیزی تو اندر قصد ما نیش زهرآلوده‌ای در فصد ما
قصد کسی کردن، کشتن، فصد کردن: رگ زدن، جراحی (از افعال انسان، فاعل فلک)
به اعتبار اینکه به فلک اسناد داده شده در بیت زیر:

- ۲۳۱۱/۱ - ای فلک در فتنه‌آخر زمان
تیز میگردی، بده آخر زمان
- ۱/۳۲۶۹ - غنچ و نازت می‌نگنجد در جهان
باش تا که من شوم از تو جهان
- ۲/۱۶۲۸ - بحر را گویم که هین پر نار شو
گویم آتش را که رو گلزار شو
- مخاطب: بحر و آتش، خطاب متضمن امر، (مصراع اول: تلمیح به آیه ۶ از سوره تکویر: «و اذا البحارُ سُجّرت»، آنگاه که دریاها آتش گیرد، مصرع دوم تلمیح به آیه ۶۹ از سوره انبیا: «قلنا یا نارُ کونی برداً و سلاماً علی ابراهیم»)
- بسیاری از مکالمه‌های شاعرانه با بکارگیری این نوع از تشخیص پدید می‌آید.
دیگر از انواع تشخیصها، استعاره مکنیه است. در این مقاله، استعاره مکنیه از نظر شکل و ساختار صوری، به دو نوع اجمالی و تفصیلی تقسیم شده است. شکل اجمالی آن دارای ساختمانی فشرده و بصورت اضافه استعاری است.
- استعاره مکنیه اجمالی:
- ۱/۱۴۵۵ - تا به گوش خاک او چه خوانده است
کو مراقب گشت و خامش مانده است
- گوش خاک.
- ۱/۲۵۳۱ - گفت دیدیت آن قضا مبرم شدست
صورت اومید را گردن زدست
- صورت امید.
- ۱/۲۶۲۲ - عقل خود زین فکرها آگاه نیست
در دماغش جز غم الله نیست
- در مصرع دوم دماغش، یعنی دماغ عقل، استعاره است از: قدرت بصیرت و تمییزی که در فطرت الهی انسان موجود است و امور معنوی و روحانی را برمیگزیند. (زمانی: نفس جویای معاش مادی است و عقل دنبال نیازهای معنوی)
- ۲/۸۳۲ - بی حجابی آب و فرزندان آب
پختگی ز آتش نیابند و خطاب
- فرزندان آب، استعاره است از: انسانها. خطاب در مصرع دوم یعنی خطاب آتش، خطاب آتش استعاره است از: رنجها و ریاضتهای طریق سلوک که در تربیت نفس و پختگی و کمال سالک موثر است. با توجه به بیت ۸۳۰:
- هست آن آهن فقیر سختکش
زیر پتک و آتش است او سرخ و خوش
- البته با توجه به بیت ۸۳۵:
- پس فقیر آن است کو بی واسطه است
شعله‌ها را با وجودش رابطه است
- می‌توان خطاب آتش را استعاره از تجلیات الهی و معارف و اسرار غیب دانست.

- استعاره مکنیه تفصیلی:

شکل تفصیلی آن بصورت جمله کامل است.

۲/۱۱۶۱- ذره‌ای زان آفتاب آرد پیام آفتاب آن ذره را گردد غلام

پیام آوردن ذره از آفتاب، استعاره است از: مطیع شدن طبیعت و پدیده‌های آن در مقابل انسانی که به خلافت الله در روی زمین برگزیده شده است.

۲/۲۶۳۴- تا دهد جان را فراقش گوشمال جان بداند قدر ایام وصال

گوشمال دادن جان توسط فراق، استعاره از اینکه: دوری از لطف و رحمت حق در حقیقت تنبیه و مجازات بنده عاصی یا بازتابی از غفلت او است و مراد حق تعالی از این تنبیه به راه آوردن بنده گمراه است.

۱/۱۹۶۵- جان لقمان که گلستان خدا است پای جانش خسته خاری چرا است

خسته شدن پای جان به خاری، استعاره است از: تنزل شأن جان الهی و وجه ملکوتی وجود انسان به واسطه اشتغال به نیازی جسمانی یا خواهشهای حقیر نفسانی. خار تعبیر دیگری از همان چیزهایی است که در ۱۹۶۱ از آن به لقمه تعبیر کرده است.

۲/۱۶۱۲- قطره‌ای کز بحر وحدت شد سفیر هفت بحر آن قطره را باشد اسیر

هفت بحر اسیر قطره شدن، استعاره از: تسلیم شدن و اطاعت تمامی اجزای عالم حس از انسان خاکی کوچک که از سوی حق جهت هدایت خلق برانگیخته شده است.

این دو نوع ساختار اجمالی و تفصیلی تشخیص برابر با همان استعاره مکنیه و تخیلیه در بلاغت قدیم است. نکته قابل ذکر در استعاره مکنیه تفصیلی یا تشخیص تفصیلی و تفاوت آن با تشخیص فعلی این است که جنبه استعاری و شخصیت‌بخشی یا جان‌بخشی در تشخیص فعلی در فعل منحصر است، اما در استعاره مکنیه تفصیلی استعاره و شخصیت‌بخشی در تمام اجزای جمله گسترده شده است و هریک از عناصر جمله در شکل‌گیری این تشخیص، صاحب نقش و وظیفه‌ای است و این گسترده‌تر بودن یکی نسبت به دیگری تنها تفاوتی است که میان آن دو وجود دارد.

- استعاره مفرد یا مصرحه:

استعاره مصرحه در واقع یکی از انواع مجاز لغوی یا مجاز مفرد است و عبارت از حذف مشبه و ذکر مشبه‌به همراه با آوردن بعضی از مختصات مشبه در کلام است که همان علاقه مشابَهت میان معنی حقیقی و مجازی است و مخاطب را به منظور و مراد استعاره رهنمون می‌شود. (محمد خلیل رجایی، معالم/البلاغه: ۲۹۲)

۱۱۱۱/۲ - شمس باشد بر سببها مطلع هم از او حبل سببها منقطع
که شمس، استعاره از خداوند است و توضیحی که در بیت آمده (یعنی منقطع شدن
حبل سببها از او)، روشنگر معنی استعاری آن است.

۱/۱۷۷۳ - شرح این بگذارم و گیرم گله از جفای آن نگار ده دله
نگار ده دله، استعاره است از: حق تعالی که به صور گوناگون در عالم هستی تجلی
میکند. (زمانی: اشاره به اینست که آن محبوب حقیقی یعنی حضرت کردگار دارای تجلیات
بی شمار لطیفه است بر همه موجودات و در تجلیاتش تکرار نیست، کلّ یوم هو فی شان.)
۲/۱۱۲۱ - نیزه گردانی است ای نیزه که تو راست میگردی گهی گاهی دو تو
نیزه گردان، استعاره از: حق تعالی، نیزه استعاره از: جهان هستی و موجودات بطور اعم و
انسان بطور اخص.

۲/۱۳۱۰ - ما شکاریم این چنین دامی که راست گوی چوگانیم چوگانی کجا است
چوگان، استعاره از: حق تعالی، همچنین خیاط، نفاط در بیت ۲/۱۳۱۱
میدرد میدوزد این خیاط کو میدمد میسوزد این نفاط کو
دمیدن، دوختن، استعاره از: حیات بخشیدن به موجود بیجان، دریدن، سوزاندن، استعاره
از میراندن. (نیکلسون: میدمد، میسوزد، یعنی: هم جانبخش است و هم میراننده.)

جدولهای مربوط به اسناد مجازی

جدول اول شامل انواع جانبخشی یعنی دو نوع فعلی و وصفی در دو دفتر اول و دوم
مثنوی است، تعداد کل جانبخشی در دو دفتر، ۹۴ مورد است. از این تعداد دفتر اول، ۶۵
مورد یعنی ۶۹/۱۵ را به خود اختصاص داده و دفتر دوم شامل ۲۹ مورد حدود ۳۰/۸۵
درصد جانبخشی بوده است، بدین ترتیب معلوم میشود که تعداد جانبخشی دفتر اول بیش
از دو برابر دفتر دوم است، از ۹۴ مورد جانبخشی در دو دفتر، ۵۶ مورد از نوع فعلی که
شامل ۵۹/۵۷ درصد کل و ۳۸ مورد از نوع وصفی که شامل ۴۰/۴۳ درصد کل است،
بنابراین تعداد جانبخشی فعلی بیش از نوع وصفی آن است.

جدول شماره ۲ شامل انواع تشخیص است دارای ۴ ردیف: تشخیص فعلی، وصفی، ندایی
و مکنیه. تعداد کل انواع تشخیص در دو دفتر ۵۱۳ که تعداد موجود در دفتر اول ۳۱۳ و در
دفتر دوم ۲۰۰ مورد بوده است یعنی ۱۶/۱ دفتر اول، ۳۸/۹۹ دفتر دوم، که تعداد تشخیص
به‌طور کلی در دفتر اول ۲۲ درصد بیش از دفتر دوم است.

جدول شماره ۳ شامل انواع استعاره مکنیه اعم از اجمالی و تفصیلی است، تعداد کل
استعاره مکنیه در دو دفتر ۱۲۵ مورد. ۷۳ مورد یا ۵۸/۴۰ درصد متعلق به دفتر اول و ۵۲

مورد یعنی ۴۱/۶۰ درصد از دفتر دوم است، بنابراین تعداد استعار مکنیه دفتر اول بیشتر است.

از ۱۲۵ مورد در دو دفتر، ۴۷/۲۰ درصد مکنیه اجمالی و ۵۲/۸۰ درصد مکنیه تفصیلی است، نتیجه آنکه تعداد مکنیه تفصیلی بیش از ۵ درصد بیشتر از مکنیه اجمالی می‌باشد. تذکر این نکته لازم است که اگر مجموع جانبخشی (۹۴) و تشخیص (۵۱۳) را در دو دفتر حساب کنیم، عدد ۶۰۷ به دست می‌آید. از این حاصل جمع می‌توانیم چنین استنباط کنیم که تعداد موارد اسناد مجازی از بسامد بسیار بالایی در مثنوی، حداقل در دو دفتر مورد محاسبه، برخوردار است و پس از تشبیه بیشترین فرکانس را دارا است.

استعاره مصرحه کمترین بسامد را در میان انواع استعاره دارد بطوری که مجموع آن در دو دفتر ۳۱، دفتر اول ۱۱ و دفتر دوم ۲۰ مورد مشاهده گردید.

جدول ۱- انواع جانبخشی

جمع	دفتر دوم	دفتر اول	نوع اسناد مجازی وصفی	
			تعداد	جانبخشی فعلی
۵۶ ۱۰۰ ۵۹/۵۷	۱۹ ۳۳/۹۳ ۶۵/۵۲ ۲۰/۲۱	۳۸ ۶۶/۰۷ ۵۶/۹۲ ۳۹/۳۶	تعداد	جانبخشی فعلی
			درصد سطری	
			درصد ستونی	
۳۸ ۱۰۰ ۴۰/۴۳	۱۰ ۲۶/۳۲ ۳۴/۴۸ ۱۰/۶۴	۱۰ ۲۶/۳۲ ۳۴/۴۸ ۱۰/۶۴	تعداد	جانبخشی وصفی
			درصد سطری	
			درصد ستونی	
۹۴ ۱۰۰ ۱۰۰	۲۹ ۱۰۰ ۳۰/۸۵	۶۵ ۱۰۰ ۳۰/۱۵	تعداد	جمع
			درصد ستونی	
			درصد کل	

جدول ۲- انواع اسناد مجازی

جمع	دفتر دوم	دفتر اول	نوع اسناد مجازی وصفی	
			تعداد	تشخیص فعلی
۲۳۰ ۱۰۰ ۴۴/۸۳	۱۰۴ ۴۵/۲۲ ۵۲/۰۰ ۲۰/۲۷	۱۲۶ ۵۴/۷۸ ۴۰/۲۵ ۲۴/۵۶	تعداد	تشخیص فعلی
			درصد سطری	
			درصد ستونی	
۹۴ ۱۰۰	۱۸ ۱۹/۱۵	۷۶ ۸۰/۸۵	تعداد	

۱۲/۴۸	۹/۰۰ ۳/۵۱	۲۴/۲۸ ۱۴/۸۱	درصد سطری درصد ستونی درصد کل	تشخیص وصفی
۶۴ ۱۰۰ ۱۲/۴۸	۲۶ ۴۰/۶۲ ۱۳/۰۰ ۵/۰۷	۳۸ ۵۹/۳۸ ۱۲/۱۴ ۷/۴۱	تعداد درصد سطری درصد ستونی درصد کل	تشخیص ندایی
۱۲۵ ۱۰۰ ۲۴/۳۷	۵۲ ۴۱/۶۰ ۲۶/۰۰ ۱۰/۱۴	۷۳ ۵۸/۴۰ ۲۳/۳۳ ۱۴/۲۳	تعداد درصد سطری درصد ستونی درصد کل	استعاره مکنیه
۵۱۳ ۱۰۰	۲۰۰ ۱۰۰ ۳۸/۹۹	۳۱۳ ۱۰۰ ۶۱/۰۱	تعداد درصد ستونی درصد کل	جمع

جدول ۳- انواع استعاره مکنیه

جمع	دفتر دوم	دفتر اول	نوع استعاره مکنیه	
۵۹ ۱۰۰ ۴۷/۲۰	۸ ۱۳/۵۶ ۱۵/۳۸ ۶/۴۰	۵۱ ۸۶/۴۴ ۶۹/۸۶ ۴۰/۸۰	تعداد درصد سطری درصد ستونی درصد کل	مکنیه اجمالی
۶۶ ۱۰۰ ۵۲/۸۰	۴۴ ۶۶/۶۷ ۸۴/۶۲ ۳۵/۲۰	۲۲ ۳۳/۳۳ ۳۰/۱۴ ۱۷/۶۰	تعداد درصد سطری درصد ستونی درصد کل	مکنیه تفضیلی
۱۲۵ ۱۰۰	۵۲ ۱۰۰ ۴۱/۶۰	۷۳ ۱۰۰ ۵۸/۴۰	تعداد درصد سطری درصد ستونی درصد کل	جمع

نتیجه:

- ۱- محل وقوع مجاز عقلی یا اسناد مجازی، در جمله است. وجه تسمیه مجاز عقلی از آن روست که فعل یا صفتی به نیروی خیال به مسندالیه اسناد میگردد.
- ۲- تشخیص (personification) معادل استعاره مکنیه و تخیلیه در بلاغت قدیم است.
- ۳- استعاره تخیلیه شکل تفصیلی استعاره مکنیه است.
- ۴- تشخیص از شاخصهای سبک و زبان عرفایی چون مولانا است. چون در نظر او هستی و اجزای آن همگی زنده و پویا هستند.
- ۵- اسناد مجازی به دو نوع جانبخشی و تشخیص قابل تقسیم است.
- ۶- جانبخشی نسبت دادن افعال و اوصاف جاندارانی غیر از انسان به اشیا یا مفاهیم انتزاعی است که شامل دو نوع فعلی و وصفی است.
- ۷- تشخیص ندایی از رهگذر مورد ندا و خطاب قرار دادن پدیده بی جان یا مفهوم انتزاعی ایجاد میشود.
- ۸- استعاره مکنیه از نظر ساختار به دو نوع اجمالی و تفصیلی قابل تقسیم است. شکل اجمالی آن به صورت اضافه استعاری است و شکل تفصیلی، در قالب جمله دیده میشود.
- ۹- استعاره مفرد یا مصرحه یکی از انواع مجاز لغوی یا مفرد است؛ یعنی حذف مشبه و آوردن مشبه به همراه با علاقه مشابَهت.
- ۱۰- با احتساب مجموع جانبخشی و تشخیص، می توان چنین نتیجه گرفت که اسناد مجازی از بسامد بالایی در مثنوی مولانا برخوردار است. ضمناً ذکر این نکته نیز در خور توجه است که مقایسه تعداد کل اسناد مجازی در دو دفتر اول و دوم (۶۰۷) با تعداد انواع تشبیه (۷۰۸)، تمثیل (۵۰۲)، اغراق (۹۲)، پارادوکس (۳۷) و حس آمیزی (۲۰) مورد در این دو دفتر نشانگر آن است که در میان این شش شاخص برجسته زبان مولانا در مثنوی، اسناد مجازی جایگاه دوم را کسب کرده است که تشخیص و بسامد استفاده مولانا را از این ساختار بیشتر مشخص می کند.
- ۱۱- نتایج مقایسه درصد کل انواع تشخیص به ترتیب عبارتند از: تشخیص فعلی: ۴۴/۸۳، استعاره مکنیه: ۲۴/۳۷، تشخیص وصفی: ۱۸/۳۲، تشخیص ندایی: ۱۲/۴۸.
- ۱۲- استعاره مکنیه تفصیلی پنج درصد بیشتر از نوع اجمالی است.
- ۱۳- استعاره مصرحه کمترین بسامد را دارد.

فهرست منابع:

- ۱- قرآن کریم
- ۲- ارسطو، فن خطابه، ترجمه پرخیده ملکی، چ اول، انتشارات اقبال، تهران، ۱۳۷۱
- ۳- بهاء ولد، محمد بن حسین خطیبی بلخی، معارف، تصحیح بدیع الزمان فروزانفر، اداره کل انطباعات وزارت فرهنگ: تهران: ۱۳۳۳
- ۴- جرجانی، عبد القاهر. اسرار البلاغه، تحقیق ه. ریتز، استانبول: مطبعه وزارت معارف، ۱۹۵۴
- ۵- رجایی، محمد خلیل، معالم البلاغه، در علم معانی و بیان و بدیع، شیراز: ۱۳۷۹
- ۶- شفیعی کدکنی، محمدرضا، صور خیال در شعر فارسی، تهران: مؤسسه انتشارات آگه، چاپ ششم، ۱۳۷۵
- ۷- شمس تبریزی. مقالات شمس تبریزی، تصحیح محمدعلی موحد، تهران، انتشارات خوارزمی، چاپ دوم، ۱۳۷۷
- ۸- شمس قیس رازی، المعجم فی معاییر اشعار العجم، در اوایل قرن هفتم ه. به تصحیح علامه فقیه مرحوم محمد بن عبد الوهاب قزوینی، با مقابله با شش نسخه خطی قدیمی و تصحیح مدرس رضوی، تهران: انتشارات دانشگاه تهران، ۱۳۳۵
- ۹- معصومی مدنی، انوار الربیع فی انواع البدیع، تهران: بی‌نا، ۱۳۰۴ق.
- ۱۰- مولوی، جلال الدین محمد، شرح مثنوی معنوی، تصحیح نیکلسون، ترجمه حسن لاهوتی، تهران: انتشارات علمی و فرهنگی، چاپ اول، ۱۳۷۴
- ۱۱- _____، مثنوی معنوی، تصحیح کریم زمانی، تهران: اطلاعات، ۱۳۷۴.